

تحلیل حدیث شناختی خاستگاه اندیشه غیبت مهدی (ع) در روایت اصبع بن نباته

ریحانه سمیعی

دانشجوی دکتری گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

حسن نقی زاده

استاد گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

Email: naghizadeh@um.ac.ir

دکتر سهیلا پیروزفر

دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

چکیده

اعتقاد به غیبت امام دوازدهم، یکی از باورهای مهم شیعه دوازده امامی است که بر پایه دلایل متقن نقلی و کلامی استوار شده است. با این حال، برخی پژوهشگران غربی با زیر سؤال بردن خاستگاه تاریخی و دیرینه گی این باور، تلاش کرده اند آن را محصول تفکرات متأخر بدانند. این پژوهش با هدف بررسی خاستگاه روایت اصبع بن نباته به عنوان یکی از قدیمی ترین روایات مرتبط با غیبت، به دنبال یافتن ریشه های تاریخی این عقیده است. بررسی های انجام شده با رویکردی تحلیلی در متن و سند پژوهی، نشان می دهد که خاستگاه این روایت به ربع آخر قرن دوم هجری قمری یعنی زمان حیات ثعلبه بن میمون بازمی گردد؛ اما عبارت "سته ایام او سته اشهر او سته سنین" در سال های بعدی توسط راویانی چون طیا لسی و سعد بن عبدالله به متن اصلی اضافه شده است. نتایج این پژوهش، ضمن تأیید قدمت تاریخی عقیده غیبت، نشان می دهد که این باور ریشه در تفکرات اولیه شیعه دارد و نمی توان آن را محصول تحولات بعدی دانست.

کلید واژگان: خاستگاه، غیبت مهدی (ع)، اصبع بن نباته.

اعتقاد به غیبت امام دوازدهم، به عنوان یکی از باورهای بنیادین شیعه دوازده امامی، بر پایه دلایل متقن نقلی و کلامی استوار شده است. باین حال، برخی پژوهشگران معاصر غربی با زیر سؤال بردن خاستگاه تاریخی و دیرینه گی این باور، آن را محصول تفکرات متأخر دانسته اند؛^۱ کلم،^۲ انگاره سفارت را متأخرتر از کسانی می داند که اکنون آن ها را به نام سفیر یا نایب اول و دوم امام غایب می شناسیم. به بیان دیگر، به ادعای او، انگاره نیابت و سفارت امام غایب در زمان حسین بن روح نوبختی شکل گرفته است.^۳ ادموند هایز^۴ در کتابی که به تازگی (۲۰۲۲ م) با نام وکلای امام غایب، تحریر کرده، معتقد است: «این مطلب غیرممکن نیست که ابوسهل نوبختی و حسین بن روح نوبختی، انگاره ی سفارت را به مرور بر ساخته باشند».^۵ عده ای دیگر آن را اقتباسی از ادیان دیگر یا دیگر فرق شیعی می دانند. برنارد لوئیس اساس اندیشه مهدویت را به واسطه اعتقاد قبلی به آیین زرتشت و برگرفته از موالیان می داند.^۶

یکی از راه های نقد دیدگاه نام بردگان، کشف منشأ و خاستگاه این اندیشه در روایات است. از جمله روایت ها در باب اندیشه غیبت مهدی (ع) گزارشی است از اصبع بن نباته، مبتنی بر دیدار وی با امام علی (ع) و خبر از وقوع غیبت مهدی (ع). سه موضوع کلیدی یعنی عبارات «من ظهر الحادی عشر من ولدی»، «تكون الغیبه و الحیره»، «ستة ایام أو ستة أشهر أو ست سنین»، باعث اهمیت بیشتر این روایت شده است. پژوهش حاضر با هدف بررسی خاستگاه روایت اصبع بن نباته به عنوان یکی از قدیمی ترین روایات مرتبط با غیبت قصد دارد نشان دهد خاستگاه تاریخی اندیشه غیبت، به چه دورانی می رسد و اولین بار توسط چه کسانی مطرح و در مسیر انتقال دستخوش چه تغییراتی شده است.

شهبازیان و رحیمی جعفری در دو مقاله با عنوان های "تحلیلی بر اسناد روایت اصبع بن نباته در کتاب های الکافی، کمال الدین و الهدایه الکبری" و "بازکاوی روایت اصبع بن نباته از تعداد ائمه و مسئله غیبت"، به تحلیل روایت اصبع بن نباته پرداخته اند. در این پژوهش ها، با تکیه بر عبارت «سِتَّةَ أَيَّامٍ أَوْ سِتَّةَ أَشْهُرٍ أَوْ سِتَّ سِنِينَ»، نویسندگان به این نتیجه رسیده اند که متن روایت در کتاب کمال الدین نسبت به سایر منابع، معتبرتر است. ابراهیم جواد نیز در کتاب "روایه من ظهري فی المیزان"، به بررسی تفاوت نسخه های مختلف عبارت "من ظهري الحادی عشر" در این روایت پرداخته است. از دیگر پژوهش های مرتبط با روایت

۱. حسین بن روح نوبختی بین سال های ۳۰۵ تا ۳۲۶ نیابت حضرت مهدی (ع) را برعهده داشته است (شیخ طوسی، الغیبه، ۲۲۳). بنابراین افرادی چون کلم و و هایز، اندیشه غیبت را بر ساخته قرن چهارم به بعد می دانند.

2. Veronia Klem

3. Veronia Klem. *Die wier mafiarat des Zwiihen tman*. 33-36

4. Edmund Hayes

۵. نک: سراسر اثر: Hayes, *Agents of the Hidden Imam: Forging Twelver Shi ism*.

۶. برنارد لوئیس، تاریخ اسماعیلیان، ۷۷۲؛ نک: دهقانی آرانی، سیر تحول نگاه مستشرقان در ۵۰ سال اخیر، ۲۶۶.

اصبغ بن نباته، می‌توان به مقاله‌ای با عنوان «تحلیل تعارض روایات شیعی مربوط به وقت ظهور امام دوازدهم (ع)»، نوشته زرنوشه فراهانی و مصطفوی فر اشاره کرد. در این پژوهش، به‌ویژه به بررسی رفع تعارض روایات در باب زمان ظهور پرداخته شده و نتیجه گرفته شده است که روایت اصبغ بن نباته از لحاظ سندی ضعیف است. اما، هدف پژوهش حاضر، با روش تحلیل متن و سند، تعیین خاستگاه اصلی این روایت و بررسی تغییراتی است که در مسیر نقل آن رخ داده است. برای نیل به این هدف، عبارات مختلف این روایت در تمامی منابع موجود، به‌صورت جداگانه و با رویکردی تحلیلی بررسی شده است.

در این پژوهش ابتدا تمام منابعی که به روایت موردنظر اشاره دارند، استخراج می‌گردد. سپس روایات بر اساس راوی مشترک دسته‌بندی شده و شبکه اسناد آن‌ها ترسیم می‌شود. در مرحله بعد، متن نسخه‌های مختلف حدیث با دقت مورد بررسی قرار می‌گیرد. با مقایسه عناصر مختلف متن در نسخه‌های مختلف، تغییرات ایجاد شده در طول زمان شناسایی می‌شود و با توجه به شبکه اسناد، می‌توان به خاستگاه تاریخی روایت، پی‌برد و تغییراتی که در فرایند نقل رخ داده است را، مشخص کرد.^۱

متن روایت اصبغ بن نباته چنین است:

"أَتَيْتُ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَ فَوَجَدْتُهُ مُتَفَكِّرًا يَنْكُتُ فِي الْأَرْضِ فَقُلْتُ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ مَا لِي أَرَاكَ مُتَفَكِّرًا تَنْكُتُ فِي الْأَرْضِ أَرْغَبُ مِنْكَ فِيهَا فَقَالَ لَا وَاللَّهِ مَا رَغِبْتُ فِيهَا وَلَا فِي الدُّنْيَا يَوْمًا قَطُّ وَلَكِنِّي فَكَّرْتُ فِي مَوْلُودٍ يَكُونُ مِنْ ظَهْرِي الْحَادِي عَشَرَ مِنْ وَلَدِي هُوَ الْمَهْدِيُّ الَّذِي يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَقِسْطًا كَمَا مُلِئْتُ جَوْرًا وَظُلْمًا تَكُونُ لَهُ غَيْبَةٌ وَحَيْرَةٌ يَضِلُّ فِيهَا أَقْوَامٌ وَيَهْتَدِي فِيهَا آخَرُونَ فَقُلْتُ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَكَمْ تَكُونُ الْحَيْرَةُ وَالْغَيْبَةُ قَالَ سِتَّةَ أَيَّامٍ أَوْ سِتَّةَ أَشْهُرٍ أَوْ سِتَّةَ سِنِينَ فَقُلْتُ وَإِنَّ هَذَا لَكَائِنْ فَقَالَ نَعَمْ كَمَا أَنَّهُ مَخْلُوقٌ وَأَنْتَى لَكَ بِهَذَا الْأَمْرِ يَا أَصْبَغُ أُولَئِكَ خِيَارُ هَذِهِ الْأُمَّةِ مَعَ خِيَارِ أَتْرَارِ هَذِهِ الْعِثْرَةِ فَقُلْتُ ثُمَّ مَا يَكُونُ بَعْدَ ذَلِكَ فَقَالَ ثُمَّ يَفْعَلُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ فَإِنَّ لَهُ بَدَءَاتٍ وَإِرَادَاتٍ وَغَايَاتٍ وَنِهَايَاتٍ".^۲

با توجه به اینکه روایت اصبغ بن نباته - چنان‌که در ادامه خواهیم دید - متن نسبتاً یکنواختی دارد، در ابتدا اشاره‌ای کوتاه به قانون همبستگی متن و منبع، ضروری به نظر می‌آید.

۱/۱. قانون همبستگی متن و منبع

یکی از چالش‌های اصلی در تعیین راوی مشترک یک روایت، شباهت بیش از حد متن یک روایت در نسخه‌های مختلف آن است. به نظر می‌رسد که دو راوی مستقل، به‌ندرت بتوانند یک روایت را با همان کلمات و عبارات دقیق نقل کنند. این مسئله به‌ویژه در مورد روایاتی که به‌صورت شفاهی منتقل شده‌اند، صادق است؛ زیرا در نقل شفاهی، معمولاً تغییراتی در عبارات و

۱. نک، آقایی، تاریخ‌گذاری حدیث: روش‌ها و نمونه‌ها، سراسر اثر.

۲. کلینی، الکافی، ۱، ۳۳۸.

ترتیب جملات رخ می‌دهد.^۱ توجه به این اصل از دیرباز در میان عالمان اسلامی مطرح بوده است، از این میان مرحوم محمدتقی شوشتری به شیوه‌های مختلف تذکر داده که دو راوی مستقل از هم نمی‌توانند یک خبر را با لفظ واحد روایت کنند؛^۲ و اگر دو متن شباهت‌های زیادی داشته باشند، احتمالاً از یک منبع مشترک نشأت گرفته‌اند.^۳ به نظر او یکسان بودن متن در تمامی ویژگی‌های متمایز متنی، برای استنتاج اتحاد ریشه مکتوب آن‌ها کفایت می‌کند و تفاوت کم در دیگر الفاظ را امری طبیعی در فرآیند انتقال یک متن واحد می‌داند.^۴

چنان‌که خواهیم دید، گزارشی چون روایت اصبع‌بن‌نباته که متنی نسبتاً یکنواخت دارد، به کتاب ثعلبه‌بن‌میمون بازمی‌گردد؛ بنابراین، با توجه به قانون همبستگی متن و منبع^۵ و نیز مستندات تاریخی مبنی بر وجود کتاب ثعلبه‌بن‌میمون،^۶ می‌توان گفت ثعلبه صاحب کتاب و راوی مشترک این روایت بوده است.

۲. سند

۱-۲. شبکه اسناد روایت اصبع‌بن‌نباته

شکل یک، شبکه اسناد روایت اصبع‌بن‌نباته است؛ که بر اساس منابع و اطلاعات زیر رسم شده است.

کافی، الامام‌ه‌والتبصره، دلائل‌الامامه: منسوب به طبری و الاختصاص: منسوب به شیخ مفید، هرکدام با دو سند.^۷

الهدایه‌الکبری: در این کتاب، برخلاف سایر منابع، سعیدبن‌مسیب به‌عنوان راوی اصلی روایت از اصبع معرفی شده است.

اثبات‌الوصیه: با دو سند آمده است که یکی از آن‌ها مرسل است. الغیبه نعمانی: با توجه به اینکه نعمانی نام محمدبن‌یعقوب را به‌جای نام کتاب کافی در ابتدای سند آورده، ممکن است از او سماع کرده باشد. علت دیگری که این گمان را قوی‌تر می‌کند، نقل به معنایی است که در عبارت "سَبْتُ مِنَ الدَّهْرِ" صورت گرفته است.^۸ کمال‌الدین و تمام‌النعمه: صدوق از طریق دو استاد

۱. نک: پاکتچی، فقه‌الحديث، مباحثی در نقل به معنا، ۱۴۶-۱۳۳.

۲. شوشتری، اخبار الدخيلة، ۳، ۱۶۴.

۳. شوشتری، اخبار الدخيلة، ۲، ۱۳۲؛ نک: قندهاری، «احادیث طوال در میراث مکتوب سده نخست»، ۶۷.

۴. شوشتری، اخبار الدخيلة، ۲، ۶۵-۶۴. (نک: قندهاری، درایات، مرجع مطالعات تاریخ پژوهانه کتاب و سنت).

۵. قانون همبستگی متن و منبع: این قانون بیان می‌کند که اشتراک در محتوای متنی، نشان‌دهنده اشتراک در ریشه انتقال متن است. به عبارتی دیگر، اگر دو متن شباهت‌های لفظی قابل‌توجهی داشته باشند، می‌توان حدس زد که از یک منبع مشترک نشأت گرفته‌اند یعنی یکی از دیگری، یا هر دو از منبع مکتوب سومی اقتباس شده‌اند (Sadeghi, Behnam, p:205). *(The traveling tradition test)*.

۶. نجاشی، رجال، ۱، ۱۱۸.

۷. انتساب دو کتاب اختصاص و دلائل‌الامامه به مفید و طبری در پژوهش‌های اخیر رد شده‌اند. نویسندگان آن‌ها مشخص نبوده و بین قرون ۵ تا ۷ تخمین زده شده‌اند. (انصاری، نمونه‌ای از دفاتر محدثان: کتاب الاختصاص منسوب به شیخ مفید؛ انصاری، متن شیعی مجعول و منسوب به محمد بن جریر طبری)

۸. نعمانی به‌جای واژه "سَبْتُ أَيَّامٍ أَوْ سَبْتُ أَشْهُرٍ أَوْ سَبْتُ سِنِينَ" واژه "سبت من الدهر" را برگزیده است.

خود یعنی ابن ولید و پدرش، مجموعاً با ۳۶ طریق این متن را منتقل کرده است. او از طریق پدرش ۳۴ سند را با یک متن آورده است. این موضوع برایمان مشخص نیست که آیا صدوق برای همه این اسناد فقط یک متن در اختیار داشته یا به دلیل اختصار^۱ ترجیح داده که یک متن را انتخاب کند و همراه سندهای متفاوتشان بیاورد^۲ الغیبه طوسی: شیخ طوسی یک تحریر از روایت را با دو سند به دست ما رسانده است، که دو حالت برای آن می‌توان در نظر گرفت. حالت اول اینکه هر دو سند یک متن کاملاً مشابه داشته‌اند. حالت دوم اینکه شیخ طوسی نیز طبق قاعده اختصار فقط یک متن را انتخاب و برای هر دو سند آورده باشد. علت محتمل شدن فرض دوم این است که متن اسناد سعد بن عبدالله به محمد بن الحسین بن ابی الخطاب در همه نسخ شبیه هم است اما در نسخه شیخ طوسی متفاوت است. همان‌گونه که از شبکه راویان این روایت مشخص است، تمامی اسناد تا اصبع بن نباته یکسان و منفرد هستند؛ به عبارت دیگر، همه روات این بخش از سند، روایت را از یک منبع که به امام علی (ع) منسوب است، دریافت کرده‌اند. پس از اصبع بن نباته، این روایت به دو شاخه اصلی تقسیم می‌شود:

۱. شاخه سعید بن مسیب: این روایت از طریق سعید بن مسیب در مدینه و در کتاب هدایه الکبری نقل شده است.
۲. شاخه ثعلبه بن میمون: این روایت از طریق ثعلبه بن میمون در کوفه به کتاب‌های کمال الدین، الاختصاص* و الغیبه طوسی* (نقل شده از حسن بن علی بن فضال) و اثبات الوصیه، دلائل الإمامه، الاختصاص*، الغیبه طوسی* و الکافی (نقل شده از خالد طیالسی) راه یافته است.

۲-۲. معرفی راویان از زاویه اهمیت و صاحب مصنف بودن

"اصبع بن نباته" از مهم‌ترین راویان علی (ع) و از نخستین مفسران شیعه در کوفه است. نام وی در شمار مصنفان شیعی ذکر شده است.^۳ وجود روایات فراوان تفسیری در منابع معتبر پسین، نشان می‌دهد که صاحبان جوامع متقدم به منقولات وی دسترسی داشته‌اند. به طوری که اصبع بن نباته از ارکان مهم انتقال آموزه‌های حضرت علی (ع) با ترویج گفتمان‌های شیعی بنیان و به‌ویژه مسئله مهدویت است، به‌طوری که از مجموع ۳۶۲ روایت ۱۴ حدیث به موضوع ملاحم و مغیبات اختصاص دارد.^۴ روایات او به فراوانی در منابع فرعی و اصلی حدیث امامیه، زیدیه و اسماعیلیه به کاررفته است.^۵ اصبع بن نباته از راویان پر روایت

۱. مرحوم شوشتری در موارد متعددی تذکر داده که گاهی در منابع متقدم مؤلف پس از نقل چند سند کاملاً مجزا برای مضمونی واحد، به خاطر اختصار به نقل یکی از متون نزدیک اکتفا کرده و گاهی به تفاوت به تعلق متن به یک سند و تفاوت دیگر متون تصریح کرده و گاه نکرده‌اند (نمونه: عیون أخبار الرضا (ع)، ۱، ۱۴۰-۱۳۸؛ نک: الأخبار الدخيلة، ۲، ۱۳۲؛ ۴، ۷۷).

۲. نک: شوشتری، اخبار الدخيلة، ۲، ۱۳۲؛ ۴، ۷۷.

۳. نجاشی، رجال، ۸؛ شیخ طوسی، الفهرست، ۸۹.

۴. آذری، «بازسازی کتاب منسوب به اصبع بن نباته و تحلیل درون‌مایه آن»، ۲۲۴.

۵. ابن عساکر، تاریخ مدینه دمشق، ۸، ۲۲۲.

کتاب تاریخ دمشق ابن عساکر نیز هست؛ هیچ‌یک از مورخان به تاریخ دقیق وفات وی اشاره نکرده‌اند.^۱ تاریخ‌هایی چون ۵۵ ق و ۷۵ ق را هم برای او ذکر کرده‌اند که چندان معتبر نیست؛^۲ اما می‌دانیم او پس از امام علی (ع) مدتی زنده بوده است.^۳

ثعلبه بن میمون یعنی راوی مشترک^۴ این روایت از علمای کوفی قرن دوم و صاحب مصنفی است که درباره کتاب او گفته‌شده: "له کتاب تختلف الرواية عنه، قد رواه جماعات من الناس".^۵ این تعبیر بدین معناست که کتاب او مرجع و مصدر بسیاری از افراد بوده است.

به‌غیر از صاحب کتاب بودن ثعلبه بن میمون و اصبع بن نباته، روایانی در این اسناد وجود دارند که در موضوع غیبت، صاحب تصنیف و کتاب بوده‌اند و این موضوع این گمانه‌زنی را تقویت می‌کند که در تطور این روایت اسناد مکتوب جای ویژه‌ای داشته باشند تا سماع. حسن بن علی بن فضال کتاب "الملاحم" را تألیف کرده است. حمیری درباره غیبت، کتابی مشهور داشته است.^۶ چنان‌که یکی از مصادر مهم کتاب‌های ابن ابی زینب نعمانی، ابن بابویه و شیخ طوسی، اثر حمیری بوده است.^۷ سعد بن عبدالله از مصنفانی است که می‌گوید: «اخبار صحیحی از امامان پیشین درباره غیبت و ولادت پنهانی قائم به ما رسیده است».^۸ خصیبی صاحب کتاب هدایه الکبری خود نیز به نحو مستقیم از حسن بن محمد بن جمهور از محمد بن جمهور گزارش‌هایی دارد که با مباحث مهدوی در ارتباط است.^۹ محمد بن جمهور العمی، دارای کتاب‌های وقت خروج القائم (ع)، ملاحم و صاحب الزمان است.^{۱۰} علی بن محمد (علان) دایی کلینی، مصنف کتابی با عنوان اخبار القائم است. می‌توان این کتاب را از مهم‌ترین روایات مربوط به غیبت و وکالت دانست که از طریق کلینی در کتاب‌های حدیثی راه یافته است.^{۱۱}

منذربن محمد بن القابوس. مؤلفی است که یکی از کهن‌ترین منابع این روایت یعنی کافی کلینی به جامع او باز می‌گردد. کلینی تنها به طریق "علی بن محمد بن عبدالله بن محمد خالد قال حدثني منذربن محمد بن قابوس" از منذر روایت کرده است،^{۱۲}

-
۱. آقابزرگ، الذریعة، ۲۵، ۱۰۵.
 ۲. خویی، معجم رجال الحديث، ۳، ۲۲۲.
 ۳. نجاشی، رجال، ۸.
 ۴. منظور از راوی مشترک، راوی تکرار شونده در سند یک حدیث است که روایت به واسطه او توسط به بیش از یک نفر منتقل شده است. (آقای، تاریخ‌گذاری حدیث: روش‌ها و نمونه‌ها، ۴۷۰ - ۵۰۴).
 - * یکی از سندها.
 ۵. نجاشی، رجال، ۱۱۸.
 ۶. نجاشی، رجال، ۲۱۹؛ شیخ طوسی، الفهرست، ۲۹۴.
 ۷. رحمتی، دانشنامه جهان اسلام، ۱۴، ذیل عبدالله بن جعفر حمیری.
 ۸. اشعری، المقالات و الفرق، ۱۰۲-۱۰۶.
 ۹. موحدی، بازسازی کتاب ملاحم الکبیر و تحلیل روایات غیبت، ۱۴۵.
 ۱۰. شیخ طوسی، رجال، ۴۱۳.
 ۱۱. شیخ طوسی، الفهرست، ۳۷۷.
 ۱۲. نجاشی، رجال، ۲۱۸.

همچنان که می‌بینیم این طریق در روایت ما وجود دارد. در سند دلایل الامامه، هارون بن موسی است که در مورد او گفته شده است: "روی جمیع الاصول و المصنفات".^۱

شکل یک: شبکه راویان روایت اصبع بن نباته

رنگ سبز: عبارت «من ظهري»

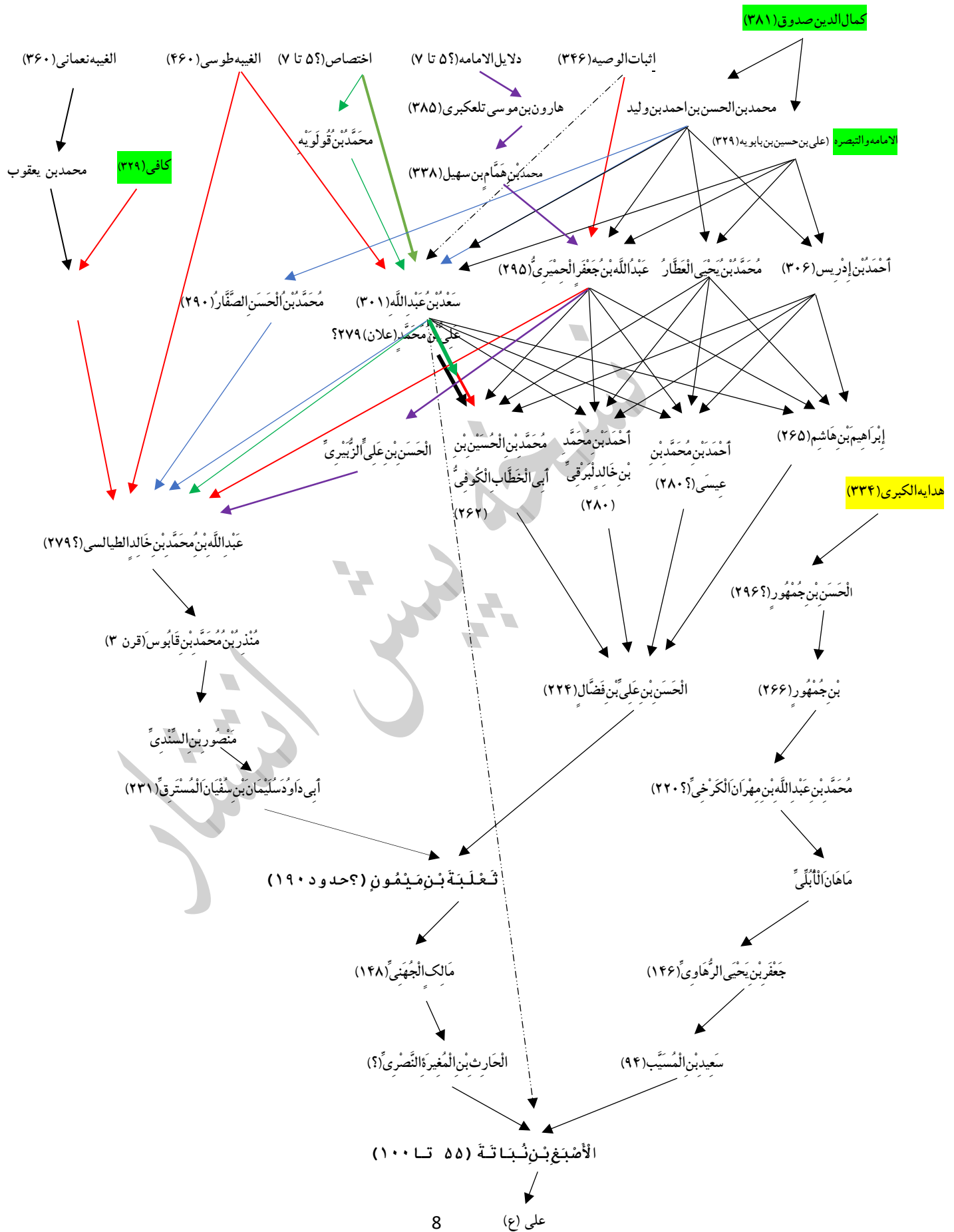
رنگ زرد: عبارت «من ظهري»

رنگ سبز و زرد: هر دو عبارت

نقطه چین: سند مرسل

پیکان‌های قرمز: منابعی که حاوی عبارت "سته ایام" هستند

۱. شیخ طوسی، رجال، ۴۱۲.



۳. متن روایت

اکنون با اطلاعاتی که از تصویر شبکه راویان و ویژگی‌های آن‌ها به دست آمد، به بررسی اختلافات متنی روایت می‌پردازیم به بیان دیگر در این بخش هر عبارت در نسخه‌های مختلف مورد سنجش قرار می‌گیرد. در آغاز، متن به موضوعات مختلف تقسیم و عباراتی که اختلاف تحریر دارند کدگذاری شده‌اند. شماره‌های این کدها تفاوت تحریرهای روایت را نشان می‌دهد.

۳/۱: «يَكُونُ مِنْ ظَهْرِ الْحَادِي عَشَرَ مِنْ وَلَدِي وَهُوَ الْمَهْدِي»^۱

در آغاز روایت، اصبع بن نباته با مشاهده امام علی (ع) در حال اندیشیدن، سؤالی را از موضوع تفکر ایشان مطرح می‌کند. امام (ع) در پاسخ می‌فرماید: درباره "مولودی که فرزند یازدهم من است و او همان مهدی است" فکر می‌کنم. این پاسخ به خاطر تفاوت در قرائت واژه "ظهري" در نسخه‌های مختلف این روایت، مباحثات بسیاری را در میان پژوهشگران پدید آورده است.

جدول 1: اختلاف تحریرها در عبارت: فِي مَوْلُودٍ يَكُونُ مِنْ (ظَهْرٍ) ظَهْرِي الْحَادِي عَشَرَ مِنْ وَلَدِي

کد	موضوع	عبارت
B1	یازدهمین فرزندم	يَكُونُ مِنْ ظَهْرِي الْحَادِي عَشَرَ مِنْ وَلَدِي هُوَ الْمَهْدِي
B2		يَكُونُ مِنْ ظَهْرِ الْحَادِي عَشَرَ مِنْ وَلَدِي هُوَ الْمَهْدِي
B۳		يَكُونُ مِنْ ظَهْرِي الْحَادِي عَشَرَ بَعْدِي وَهُوَ الْمَهْدِي
B4		يَكُونُ مِنْ ظَهْرِ الْحَادِي عَشَرَ، هُوَ الْمَهْدِي

همان‌طور که جدول تحریرها نشان می‌دهد، اختلاف اصلی در وجود یا عدم وجود یاء در کلمه "ظهري" است. این اختلاف به دو قرائت اصلی منجر شده است: قرائت "ظهري" که بر امام دوازدهم دلالت دارد و قرائت "ظهر" (بدون یاء)، که می‌تواند به امام سیزدهم تعبیر شود. بررسی نسخه‌های مختلف نشان می‌دهد که در برخی نسخه‌ها مانند کمال الدین اثر ابن بابویه و نسخه‌های تقریب المعارف^۲، کلمه "ظهري" با یاء آمده است^۳؛ اما در نسخه‌های هدایه الکبری، الاختصاص و دلائل الإمامه، کلمه "ظهر" بدون یاء آمده است. همچنین، در کتاب دلائل الإمامه، با توجه به نبود عبارت "من ولدی" در ادامه، می‌توان گفت به قرائت "ظهري" نزدیک‌تر است.

۱. لازم به ذکر است که در این پژوهش، استثنائاً در این عبارت، به اختلاف نسخه‌های یک منبع توجه شده است؛ زیرا تغییرات در این عبارت، مفهوم را تغییر داده است.

۲. در این متن به جای عبارت «من ولدی» عبارت «من بعدی» ذکر شده است؛ که تغییری در معنا ایجاد نمی‌کند. البته سند این روایت مرسل است.

۳. و لیس فی نسخ هذا الكتاب اختلاف قط؛ ... و لم تتم الاشارة الى وجود اختلاف في هذا اللفظ ابدا (نک: جواد، روایه من ظهري فی المیزان، ۴۳) و فی مقدمه التحقيق يقول المحقق: (و حفاظا منا للامانة العلمية اشرنا الى الموارد التي صححنا فی الهامش). (حلبی، تقریب المعارف، ۵۴).

بررسی نسخه‌های مختلف کتاب الغیبه شیخ طوسی نشان می‌دهد که در برخی نسخه‌های این کتاب، به جای "من ظهر"، از "من ظهري" استفاده شده است.^۱ اما با توجه به اینکه کتاب‌های اثبات الهداه^۲ و بحار الأنوار،^۳ این روایت را از کتاب الغیبه طوسی و با عبارت "من ظهري" نقل کرده‌اند می‌توان گفت نسخه‌هایی که عبارت "من ظهري" را آورده‌اند دقیق‌تر و معتبرترند.

در برخی از نسخ کافی نیز، نسخه‌نویسان عبارت ظهر را بدون یاء "من ظهر" و برخی دیگر با یاء، "من ظهري" نوشته‌اند؛ مانند نسخه‌های «بع، جده» و حاشیه «بع، جو».^۴ با توجه به اینکه دو کتاب الغیبه نعمانی و کفایه الاثر خزار قمی این روایت را از کافی و با سند او نقل کرده و عبارت را به صورت "مِنْ ظَهْرِي الْحَادِي عَشَرَ" آورده‌اند و همچنین با توجه به اینکه عبارت "ظهري" در نسخه‌های معتبرتری «بع، جده» آمده است کافی را می‌توان جزء منابعی در نظر گرفت که در آن، عبارت به صورت "من ظهري" آمده است.

در اثبات الوصیه نیز این عبارت به هر دو صورت ذکر شده است؛ یک‌بار در صفحه ۲۶۵، عبارت با سندی مرسل به صورت "مِنْ ظَهْرِي الْحَادِي عَشَرَ آمده" و بار دیگر در صفحه ۲۶۹ با سند متصل با تعبیر "مِنْ ظَهْرِي الْحَادِي عَشَرَ" آمده است.

با توجه به مطالب پیش گفته، در شکل (۱)، در منابعی که با رنگ سبز مشخص شده‌اند، عبارت «من ظهري» به کار رفته و منابعی که با رنگ زرد مشخص شده‌اند، از عبارت «من ظهر» استفاده کرده‌اند. منابعی هم که هر دو عبارت در نسخه‌های مختلف وجود دارد با رنگ سبز و زرد به صورت ترکیبی نمایش داده شده‌اند.

بررسی منابع و تفاوت در استفاده از واژه‌های "ظهر" و "ظهري" نشان می‌دهد که در همه منابعی که واژه "ظهر" آمده است (اختصاص، اثبات و الغیبه)، راوی سعدبن عبدالله است؛ درحالی‌که در منابع دیگر (کمال‌الدین، کافی، الغیبه نعمانی و دلائل الامامه) که سعدبن عبدالله نقشی ندارد، از واژه «ظهري» استفاده شده است. بر این اساس می‌توان نتیجه گرفت که حسن بن علی بن فضال و عبدالله بن محمد بن خالد طایلسی احتمالاً عبارت را به صورت صحیح «ظهري» از ثعلبه بن میمون دریافت کرده و به شاگردان خود منتقل کرده‌اند و سپس تصحیف این واژه به "ظهر" در برخی نسخ، در زمان نقل روایت توسط سعدبن عبدالله رخ داده است.

۱. درباره اختلاف نسخه‌های این روایت رجوع کنید به: کلینی، الکافی، ۲، ۱۵۱، پاورقی، چاپ دارالحديث و جواد، روایه من ظهري فی المیزان، ۶۷.

۲. حر عاملی، إثبات الهداة، ۵، ۷۶.

۳. مجلسی، بحار الأنوار، ۵۱، ۱۱۸.

۴. درباره اختلاف نسخه‌های این روایت رجوع کنید به: کلینی، الکافی، ۲، ۱۵۱، پاورقی، چاپ دارالحديث و جواد، روایه من ظهري فی المیزان، ۳۷ و ۷۶.

۵. منسوب به مسعودی، اثبات الوصیه، ۲۶۵؛ با سند: عنه (سعدبن عبدالله) يرفعه الى الاصمغ بن نباته این سند مرسل است.

شواهد دیگر در ترجیح عبارت "ظهري"

برای تأیید صحت واژه ظهري به جای ظهر، می‌توانیم دلایل دیگری را نیز عرضه کنیم.

۱. تفاوت واژه "ظهر" با واژه "ظهري"

برای درک مفهوم این واژه لازم است همه احتمالات در خوانش متن را در نظر بگیریم. عبارت "من ظهري الحادي عشر من ولدي"، تنها یک مفهوم را می‌رساند اما "من ظهر الحادي عشر من ولدي" را به سه صورت می‌توان فهم کرد. در مجموع چهار خوانش به دست آمده به شرح زیر است.

اول. عبارت "من ظهري الحادي عشر من ولدي": که بیانگر وجود شخصی است از نسل یازدهم علی (ع)^۱. این خوانش صریحاً مفهوم دوازده امام را می‌رساند.

دوم. عبارت "من ظهر الحادي عشر من ولدي": یعنی از نسل یازدهم از فرزندانم. در این خوانش "من ولدي" صفت برای "من ظهره" است^۲ و مراد از آن، فرزند امام حسن عسکری (ع) است که از نسل علی (ع) است. برخی گفته‌اند: لفظ «من» در عبارت من ولدي برای "الحادي" تبعیه است و معنای کلام به این صورت می‌شود «امام حادی عشر» بعضی از اولاد من است. به عبارت دیگر لفظ «من ولدي» برای مولود صفت است، نه آن که متعلق به حادی عشر باشد.^۳

سوم. "من ظهر الحادي عشر من ولدي و هو المهدی": عبارت به صورت «من ظهر» یعنی با تنوین خوانده شود. معنایش چنین می‌شود فرزندی از نسل من که یازدهمین فرزند من است درواقع، «الحادی عشر» صفت برای «من ظهر»؛ «هو» مبتدا و «المهدی» خبر آن است؛ بنابراین در اینجا نیز مفهوم دوازده امام درک می‌شود.

چهارم. "من ظهر الحادي عشر من ولدي": با مفهوم از نسل یازدهمین فرزندم. در این نوع برداشت، من ولدي به «الحادی عشر» متعلق بوده و مراد از آن، فرزند یازدهمین فرزند من است و درنهایت، مراد وجود امام سیزدهم است.

بررسی این چهار نوع دریافت، نشان می‌دهد فقط خوانش چهارم مفهوم امام سیزدهم را می‌رساند و هر سه خوانش دیگر به معنای دوازده امام است.

۱. با مفهوم یازدهمین از نسل من.

۲. "من ظهر الحادي عشر" کذا في أكثر النسخ فالمعنى من ظهر الإمام الحادي عشر "و من ولدي" نعت "مولود" و ربما يقرأ ظهر بالتنوين أي وراء، والمراد أنه يولد بعد هذا الدهر، والحادي عشر مبتدأ خبره المهدى. (علامه مجلسی، مراه العقول، ۴، ۴۳).

۳. نهانندی، عبقری الحسان، ۴، ۷۴۸. (نک: شهبازیان و رحیمی جعفری، «بازکاوی روایت اصبع بن نباته از تعداد انمه و مسئله غیبت»، ۴۲).

۲. دیگر روایات سعیدبن مسیب

در این میانه روایات دیگر سعیدبن مسیب به عنوان شخصی که حدیث اصبع را در شهر مدینه رواج داده است درخور توجه است. دو روایت مهم از او در این زمینه وجود دارد:

روایت اول: در این روایت، سعیدبن مسیب از سعدبن مالک نقل می کند که پیامبر اکرم (ص) فرمودند: "یا علی، تو برای من مانند هارون برای موسی هستی، با این تفاوت که بعد از من پیامبری نخواهد بود؛ و خداوند به من خبر داده است که از صلب حسین (ع) نه امام معصوم و مطهر متولد خواهند شد که مهدی این امت نیز از جمله آنهاست".^۱

روایت دوم: در این روایت که هم در منابع شیعه و هم در سنن ابو داود آمده است، سعیدبن مسیب از ام سلمه نقل می کند که پیامبر اکرم (ص) فرمودند: "مهدی از فرزندان فاطمه (س) است".^۲

۳. دیگر روایات اصبع بن نباته

می توان به روایات دیگر اصبع بن نباته به عنوان اولین راوی پس از معصوم نیز استناد کرد. روایات دیگری از وی در منابع شیعه وجود دارد که به موضوع امامت و تعداد امامان اشاره می کنند. در یکی از این روایات، اصبع بن نباته به صراحت به مهدی (ع) به عنوان پنجمین فرزند از فرزند هفتمین امام اشاره می کند: «إذا فقد الخامس من ولد السابع من ولدي»،^۳ همچنین، وی تعداد امامان را با تعداد ماه های قمری برابر دانسته و می فرماید: "فقال إن عددهم بعدد البروج، ورب الليالي والأيام والشهور".^۴ در روایتی دیگر، پس از امام حسین (ع)، نه نفر از فرزندان ایشان را به عنوان خلفای خدا معرفی کرده است.^۵ «عبارة تسعة من ولد الحسين مطهرون معصومون» از اصبع بن نباته نیز در منابعی چون کمال الدین وجود دارد.^۶ علاوه بر این، در برخی منابع، تعداد امامان شیعه به تعداد نقباء بنی اسرائیل تشبیه شده است.^۷

۱. خزار رازی، کفایة الاثر، ۱۳۹.

۲. شیخ طوسی، الغیبة، ۲۳.

۳. خزار رازی، کفایة الاثر، ۱۵۱؛ شیخ مفید، الاختصاص، ۲۲۴.

۴. شیخ صدوق، کمال الدین، ۱، ۲۶۰.

۵. شیخ صدوق، کمال الدین، ۱، ۲۵۹ و ۲۶۰.

۶. شیخ صدوق، کمال الدین، ۱، ۲۸۰.

۷. خزار رازی، کفایة الاثر، ۱۳۲.

۴. احادیث مرتبط با انحصار امامان در عدد دوازده در منابع دیگر شیعه

عدد دوازده درباره تعداد امامان در منابع شیعه بسیار است نمونه‌هایی از آن در منابعی چون: الکافی، ج ۱، ص ۲۸۶؛ نعمانی، ص ۷۴، کمال‌الدین، ج ۱، ص ۲۵۹؛ الاختصاص، ص ۶۲؛ آمده است.

۵. احادیث مرتبط با انحصار امامان در عدد دوازده در منابع اهل سنت

عدد دوازده درباره تعداد امامان به‌غیر از شیعیان دوازده‌امامی با روایات بی‌شماری از اهل سنت نیز تطبیق دارد که در منابعی چون: صحیح بخاری، ج ۶، ص ۲۶۴۰؛ صحیح مسلم، ج ۳، ص ۱۴۵۳؛ سنن ابوداود، ج ۴، ص ۱۷۲؛ سنن ترمذی، ج ۴، ص ۵۱؛ مسند ابن حنبل، ج ۵، ص ۸۷؛ الفتن، ج ۱، ص ۹۵، آمده است.

جمع‌بندی

با توجه به فراوانی بالای سندهایی که عبارت "من ظهري" را به کار برده‌اند، می‌توان با اطمینان بیشتری به اعتبار این عبارت دست یافت. تحلیل لغوی و نحوی نیز مؤید این مدعا است؛ از میان چهار قرائت ممکن برای این عبارت، تنها یک قرائت به وجود امام سیزدهم اشاره دارد، درحالی‌که سه قرائت دیگر به‌وضوح از وجود دوازده امام حکایت می‌کنند. شواهدی که از روایات اصبع‌بن‌نباته، سعیدبن‌مسیب در دیگر منابع به‌دست آمده است، نیز بر صحت عبارت "من ظهري" و مفهوم دوازده امام دلالت دارد. با توجه به این شواهد، می‌توان نتیجه گرفت که سعدبن عبدالله در نقل روایت، احتمالاً دچار تصحیف شده و عبارت را به "من ظهر" تغییر داده است درحالی‌که ثعلبه‌بن‌میمون این عبارت را به‌صورت "من ظهري" منتشر کرده است.

۲/۳: "الَّذِي يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَ قِسْطًا كَمَا مُلِئَتْ جَوْرًا وَ ظُلْمًا"

این عبارت نشان از پیشگویی زمان ظهور مهدی (ع) دارد. تفاوت جزئی در ترتیب کلمات "ظلماً" و "جوراً" صرفاً نشانه نقل به معنا است و تأثیری بر مفهوم کلی حدیث ندارد. این گزاره با روایات متعددی در مذاهب و فرقه‌های مختلف مطابقت دارد. نکته قابل توجه این است که بسیاری از کتاب‌های شیعه، این مفهوم را از طریق سلسله راویان مشهور اهل سنت به پیامبر (ص) نسبت می‌دهند.^۱ با توجه به تعداد فراوان روایات مشابه در منابع مختلف، این حدیث را می‌توان متواتر دانست. بدین معنا که توافق گسترده در منابع شیعه و سنی بر این مطلب دلالت دارد که امام مهدی (ع) پس از فراگیر شدن ظلم و ستم در جهان، زمین را از عدل و داد پر خواهد کرد.

۱. طباطبائی، «عدالت جهانی نماد سیاست مهدوی»، ۲۶۳.

۳/۳: "تكون له غيبه و حيره"

تفاوت تحریرهای این عبارت فقط در جابه‌جایی دو واژه الحیره و الغیبه است. از این رو هسته اصلی این پژوهش که نشان از عقیده به غیبت است هم بدون تغییر باقی مانده است.

بررسی‌های انجام‌شده نشان می‌دهد که مفهوم غیبت امام، مفهومی تکرارشونده در روایات است و این عبارت به‌تنهایی حدود ۱۵۴ بار در روایات مختلف ذکر شده است. برای مثال، در برخی روایات عبارت‌هایی مانند «تكون له غيبتان»،^۱ «تكون له حيرة و غيبة»،^۲ «لكن بعد غيبة و حيرة»^۳ و «له غيبة كغيبه يوسف»^۴ به‌کاررفته است.

۴/۳: "تضل بها اقوام و يهتدي بها آخرون"

عبارت «تضل بها اقوام و يهتدي بها آخرون» در روایات مختلف درباره غیبت امام زمان (عج) به‌عنوان نشانه‌ای از این عصر ذکر شده که در همه نسخه‌ها به‌صورت یکسانی آمده است. نمونه متون دیگر با این عبارت در منابع مختلف نقل شده است که حاوی چنین مفهومی است.^۵

۵/۳: "فقلت يا امير المؤمنين فكم تكون تلك الحيرة و الغيبة؟ قال ستة ايام او ستة اشهر او ست سنين"

یکی از مهم‌ترین اختلافات موجود در روایت اصبع‌بن‌نباته، مربوط به پرسش وی درباره چگونگی غیبت امام زمان (ع) و پاسخ دریافتی است. در برخی نسخه‌های این روایت، امام علی (ع) به اصبع پاسخ می‌دهند که غیبت امام زمان (عج) به مدت "شش روز یا شش ماه یا شش سال" خواهد بود. برای تسهیل در مطالعه، به منابعی که حاوی این عبارت هستند، کد F1 و به منابعی که این عبارت را ندارند، کد F2 اختصاص داده شده است.

بررسی‌ها نشان می‌دهد که کتاب‌های الغیبه، کافی و یکی از دو نقل اثبات‌الوصیه، حاوی این عبارت (F1) هستند، درحالی‌که نسخه‌های کمال‌الدین، دلائل‌الإمامه، اختصاص و هدایه‌الکبری فاقد این عبارت (F2) می‌باشند.

F1	چگونگی حیرت و غیبت؟ پاسخ: مدت غیبت	فقلت يا امير المؤمنين فكم تكون تلك الحيرة و الغيبة؟ قال ستة ايام او ستة اشهر او ست سنين
F2		ندارد

۱. شیخ طوسی، الغیبه، ۲۳.

۲. شیخ صدوق، کمال‌الدین، ۱، ۳۳۰.

۳. شیخ صدوق، کمال‌الدین، ۱، ۳۰۴.

۴. نعمانی، الغیبه، ۱۴۵.

۵. شیخ صدوق، کمال‌الدین، ۱، ۳۳۰.

در شکل یک (شبکه) خطوط قرمز نشان از این است که روایت موردنظر ما در این شاخه این عبارت را دارد.

علاوه بر بیشتر بودن تعداد نسخه‌هایی که حاوی این عبارت نیست، با مقایسه دقیق هر دو تحریر در تمامی منابع موجود، می‌توان به تشخیص دقیق‌تری دست یافت. همان‌گونه که از شبکه اسناد مشخص است، احمدبن محمدبن خالدبرقی، احمدبن محمدبن عیسی، ابراهیم بن هاشم و محمدبن الحسین بن ابی الخطاب، راویان گیرنده از "حسن بن علی بن فضال" هستند. در ادامه از میان چهار راوی یعنی (عطار، حمیری، احمدبن ادریس و سعدبن عبدالله) فقط سعدبن عبدالله آن‌هم فقط دریکی از اسناد کتاب الغیبه متن را با این افزوده بیان کرده است. به عبارت دیگر از میان شش راوی (ابن بابویه، پدر صدوق، ابن ولید، شیخ مفید، ابن قولویه، شیخ طوسی) که روایت را از سعدبن عبدالله گرفته‌اند، فقط شیخ طوسی این زیاده را نقل کرده است.

در ضمن شیخ طوسی در کتاب الغیبه، متن واحد را با دو سند متفاوت آورده است. با توجه به اینکه یکی کردن متن‌ها میان متقدمان امری رایج بوده است^۱ ممکن است او متن سند مربوط به سعدبن عبدالله را با تأثیرپذیری از سند طیالسی تنظیم کرده باشد. در این صورت، می‌توان نتیجه گرفت که متن اصلی سعدبن عبدالله نیز فاقد عبارت "سته ایام" بوده است. این احتمال با این واقعیت تقویت می‌شود که تمامی سندهای منشعب از سعدبن عبدالله نیز فاقد این عبارت هستند. علاوه بر این، شیخ طوسی به منابع بسیار^۲ از جمله کتاب‌های کمال‌الدین، الغیبه نعمانی، کافی و... دسترسی داشته است که احتمال وجود هر دو سند مذکور در دسترس او را تقویت می‌کند.

نتیجه انتقال روایت توسط طیالسی به شش شاگرد خود نیز چنین است: حمیری، شیخ طوسی، سعدبن عبدالله و محمدبن علان روایت را با این عبارت از طیالسی گرفته‌اند اما صفار و زبیری بدون عبارت موردنظر از طیالسی نقل کرده‌اند. بنابراین ثعلبه بن میمون به عنوان انتقال‌دهنده روایت به حسن بن علی بن فضال و طیالسی متن را با احتمال بالایی بدون "سِتَّةَ أَيَّامٍ أَوْ سِتَّةَ أَشْهُرٍ أَوْ سِتِّينَ" رواج داده است. به علاوه اینکه با دلایل عقلی تطور حدیث از تحریر کوتاه به تحریر بلندتر به خودی خود بسیار محتمل‌تر است.^۳ هرچند که هنوز اطمینان و یقین صددرصدی برایمان حاصل نمی‌شود، ولی از تحلیل هم‌زمان سند و متن، می‌توان این احتمال را قوی دانست که روایت اصبع بن نباته حاوی عبارتی است که در بستر زمان دچار این زیاده شده است.

انگیزه‌های تعیین پایان مدت غیبت مهدی (ع)

یکی از مباحث قابل تأمل در اختلاف روایت اصبع بن نباته، انگیزه افزودن یا حذف عبارت "سِتَّةَ أَيَّامٍ أَوْ سِتَّةَ أَشْهُرٍ أَوْ سِتِّينَ" است. ممکن است این عبارت نتیجه تأملات کلامی در آن دوره زمانی بوده و با توجه به برخی شواهد، به نظر می‌رسد پیشینه‌ای داشته و به همین دلیل به این روایت افزوده شده باشد.

۱. نک: شوشتری، اخبار الدخیله، ۲، ۱۳۲؛ ۴، ۷۷.

۲. مجلدهای در اختیار او ده هزار و چهارصد مجلد بوده است.

۳. آقایی، تاریخ‌گذاری حدیث: روش‌ها و نمونه‌ها، ۲۳۳.

مدرسی طباطبائی با توجه به روایت اصبع بن نباته، اشاره می‌کند که در آغازین روزهای غیبت، شایعه‌ای مبنی بر ظهور امام دوازدهم ظرف مدت شش روز، شش ماه یا حداکثر شش سال رواج داشته است.^۱ همچنین، در تاریخ اسلام نمونه‌های دیگری از عددگذاری برای وقایع آخرالزمانی مانند خروج سفیانی (شش ماه) نیز مشاهده می‌شود^۲ یا خروج بنی‌اصفر که گفته شده است شش سال قبل ظهور است.^۳ این موارد نشان می‌دهد که عدد شش در آن دوره زمانی از اهمیت خاصی برخوردار بوده و در پیش‌بینی‌های مرتبط با وقایع آینده به کار می‌رفته است.

نگرش مؤلفان به عبارت «سِتَّةَ أَيَّامٍ أَوْ سِتَّةَ أَشْهُرٍ أَوْ سِتِّ سِنِينَ»

برای بررسی دقیق‌تر عبارت «سِتَّةَ أَيَّامٍ أَوْ سِتَّةَ أَشْهُرٍ أَوْ سِتِّ سِنِينَ» می‌توان به دنبال روایات دیگری بود که این عبارت در آن‌ها آمده است. همچنین، بررسی انگیزه‌های احتمالی و دیدگاه‌های کلامی مؤلفان این روایت برای کم یا زیاد کردن این عبارت حائز اهمیت است.

۱. شیخ صدوق

قدیمی‌ترین منبعی که عبارت «سِتَّةَ أَيَّامٍ أَوْ سِتَّةَ أَشْهُرٍ أَوْ سِتِّ سِنِينَ» در آن آمده است، حدیثی در کتاب تفسیر القرآن الکریم، منسوب به ابوحمزه ثمالی است. منبع دیگر این روایت تفسیری، کتاب کمال‌الدین صدوق است. این حدیث در منابع متقدم فقط در این دو منبع وجود دارد.

روایت در مورد دو غیبت کوتاه و بلند مهدی (ع) است؛ که کلمه «باقیه» را تفسیر می‌کند:

«و جعلها کلمه باقیه فی عقبه» درباره ما اهل بیت نازل شده است. امامت تا روز قیامت در فرزندان حسین بن علی بن ابی طالب علیه السلام باقی خواهد ماند. برای قائم ما دو غیبت وجود دارد؛ یکی کوتاه‌تر و دیگری طولانی‌تر؛ اما غیبت کوتاه، شش روز یا شش ماه یا شش سال است؛ و غیبت طولانی، مدت‌ش بسیار طولانی می‌شود تا جایی که بسیاری از کسانی که به این امر اعتقاد دارند، از آن بازگردند.^۴

۱. مدرّسی طباطبائی، مکتب در فرآیند تکامل، ۱۶۸.

۲. شیخ صدوق، کمال الدین، ۲، ۶۵۲. السُّفْيَانِيُّ مِنَ الْمَحْثُومِ وَ خُرُوجُهُ فِي رَجَبٍ وَ مِنْ أَوَّلِ خُرُوجِهِ إِلَى آخِرِهِ خَمْسَةَ عَشَرَ شَهْرًا سِتَّةَ أَشْهُرٍ يُقَاتِلُ فِيهَا فَإِذَا مَلَكَ الْكُورَ الْخَمْسَ مَلَكَ تِسْعَةَ أَشْهُرٍ وَلَمْ يَزِدْ عَلَيْهَا يَوْمًا.

۳. حقی بروسوی، البیان فی تفسیر القرآن، ۱، ۱۲۴.

۴. ابوحمزه ثمالی، تفسیر قرآن کریم، ۲۹۸؛ شیخ صدوق، کمال‌الدین، ۱، ۳۲۳.

چند نکته درباره این روایت

۱. چندین روایت در مورد دو غیبت داریم که نه معنای کلمه «باقیه» را تفسیر می‌کنند و نه به این عددگذاری (شش روز یا شش ماه یا شش سال) اشاره دارند.^۱
 ۲. با توجه به اینکه این عددگذاری در منبعی متقدم مانند تفسیر ابوحزمه ثمالی آمده، ممکن است شیخ صدوق نیز این روایت را از این کتاب یا هر دو مشترکاً از یک منبع نقل کرده باشند.
 ۳. این روایت در بحارالانوار به نقل از کمال‌الدین صدوق آمده است؛ اما با این تفاوت که بین عبارات «سِتَّةَ أَيَّامٍ أَوْ سِتَّةَ أَشْهُرٍ أَوْ سِتِّ سِنِينَ» به جای واژه «او»، واو عطف آورده شده است. عبارت چنین آمده است:
"سِتَّةَ أَيَّامٍ وَ سِتَّةَ أَشْهُرٍ وَ سِتِّ سِنِينَ"
با این اوصاف بعید به نظر نمی‌رسد که از ابتدا این عبارت شش روز و شش ماه و شش سال بوده و به دلیل مشکلاتی که از نظر متکلمان و عالمان داشته "او" به "او" تبدیل شده باشد.
 ۴. در سند این روایت نام محمد بن یعقوب کلینی آمده است اما با مراجعه به کتاب کافی درمی‌یابیم در کتاب کافی این روایت بدون این عبارت آمده است.^۲
- این نوشتار درصدد رد یا تأیید این روایت نیست؛ بلکه شاهی است بر اینکه به نظر می‌رسد صدوق با این مفهوم مخالفتی نداشته که بخواهد به دلیل مخالفت‌های اعتقادی آن را حذف کند، زیرا اگر با مفهوم آن مخالف بود در این روایت نیز این عبارت را مثل روایت اصبع‌بن‌نباته حذف می‌کرد.

۲. ابن جریر طبری

- روایت دیگر از ابن جریر طبری در کتاب دلائل الامامه است همان‌گونه که گفته شد، نویسنده این کتاب نیز در روایت اصبع‌بن‌نباته این عددگذاری را نیاورده؛ اما او در صفحه ۵۳۵ از کتابش روایتی را بیان می‌کند که در آن برای غیبت کبرا عدد «بسته اشهر» آمده است. متن روایت چنین است:
- "و أخبرني أبو الحسن علي بن هبة الله ... عن هشام: الحكم، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ: لِصَاحِبِ هَذَا الْأَثَرِ غَيْبَتَانِ إِحْدَاهُمَا أَقُولُ مِنَ الْأُخْرَى الْأُولَى أَرْبَعِينَ يَوْمًا وَالْأُخْرَى بَسْتَةُ أَشْهُرٍ"

در این روایت، اعداد ۴۰ روز و ۶ ماه برای دوران غیبت ذکر شده است که با دوره‌های تاریخی شناخته شده‌ی غیبت امام زمان (عج) ناسازگار است. این مسئله، همراه با شاذ بودن روایت و تطابق نداشتن آن با سایر روایات معتبر و همچنین تحقق

۱. کلینی، الکافی، ۱، ۳۳۹.

۲. کلینی، الکافی، ۲، ۱۵۱.

تاریخی غیبت صغرا از سال ۲۵۵ تا ۳۲۹ هجری قمری، بر ضعف این روایت دلالت می‌کند.^۱ علاوه بر این، انتساب این روایت به طبری مورد تردید برخی محققان قرار گرفته است و برخی بخش‌های کتاب را ضعیف و مغایر با آموزه‌های شیعه دانسته‌اند.^۲ همچنان که درباره روایت قبلی گفته شد این نوشتار سعی در تأیید یا رد این روایات ندارد. مطلبی که از این جستجو به دست می‌آید این است که نویسندگان دلایل امامه نمی‌تواند به دلیل مخالفت‌های کلامی یا به هر دلیل دیگری حذف‌کننده عبارت «سِتَّةَ أَيَّامٍ أَوْ سِتَّةَ أَشْهُرٍ أَوْ سِتَّ سِنِينَ» در روایت اصبع‌بن‌نباته باشد زیرا اگر چنین بود در روایت بالا نیز این عبارت را حذف می‌کرد.

۳. علی بن حسین بن بابویه

علی بن حسین بن بابویه در مقدمه کتاب الامامه و التبصرة عبارت «سِتَّةَ أَيَّامٍ أَوْ سِتَّةَ أَشْهُرٍ أَوْ سِتَّ سِنِينَ» را آورده و در مورد آن چنین شرح می‌دهد:

چگونه نمی‌دانی! آنچه در روایت عالم وارد شده است که شش روز یا شش ماه یا شش سال بیان امری غیر مشخص است و بدون شک رواست امری که می‌تواند میان شش روز یا شش ماه و یا شش سال مردد باشد به سال‌های طولانی‌تری تبدیل شود. آیا این فهم و تأمل شده است؟ اگر مراد امام، بیان مقطع زمانی مشخص بود، تردید در ذکر سال، معنا نداشت و ایشان بهتر می‌دانند که زمان قابل فهمی را ذکر نکرده است. اگر مراد حضرت این بوده که زمان نامشخصی را به مخاطب بفهماند به درستی و با قاطعیت، مجهول بودن آن را به مخاطب رسانده است بدان دلیل که این سخن را کسی بیان کرده که در علم او جای تردید نیست پس مردد ساختن زمان بر مشکل بودن فهم آن دلالت دارد و مقصودش نامعلوم یادکردن آن است و اگر نبود پرسش از ایشان در موقعیتهایی که مناسب جواب دهی نیست؛ هرگز از ارائه پاسخ واقعی و مناسب دوری نمی‌کردند.^۳

او مراد از عبارت «سِتَّةَ أَيَّامٍ أَوْ سِتَّةَ أَشْهُرٍ أَوْ سِتَّ سِنِينَ» را بیان نامعلوم بودن زمان غیبت (امری پنهان) و در عین حال طولانی بودن آن می‌داند. البته مشخص نکرده است که منظورش کدام روایت است؛ اما با توجه به اینکه در متن، روایت اصبع‌بن‌نباته را بدون عبارت «سِتَّةَ أَيَّامٍ...» آورده است معلوم است که منظورش از این سخن روایت اصبع‌بن‌نباته نیست. مشخص است که صدوق پدر، این نوع عبارت را نشانه وقت‌گذاری برای ظهور تلقی نمی‌کند؛ بنابراین او نیز نمی‌توانسته حذف‌کننده این عبارت از روایت اصبع‌بن‌نباته باشد.

۱. نک: شهبازیان و رحیمی جعفری، «بازکاوی روایت اصبع‌بن‌نباته از تعداد ائمه و مسئله غیبت»، ۳۷.

۲. صفری فروشانی، محمدبن جریر طبری آملی و دلائل الامامة، ۲۴۰-۲۲۳.

۳. ابن بابویه، الامامة و التبصرة من الحيرة، نص، ۱۲-۱۴.

۴. حر عاملی

رد پای دیگر این عبارت حدیثی است که حر عاملی در کتاب "إثبات الهداة بالنصوص و المعجزات" آورده است؛ ولی منابع دیگر آن را ذکر نکرده‌اند.

متن روایت چنین است:

"قال: وحديثي عن أبي عن جدي عن محمد بن الفضيل عن أبي جعفر قال ستبقون سنة من دهركم لا تعرفون إمامكم، قلت وكم السنة جعلت فداك؟ قال: سنة أيام أو سنة أشهر، أو ست سنين أو ستون سنة".^۱

وجود این روایت در تحلیل ما اثری ندارد. جز اینکه احتمال می‌رود این افزوده از چنین روایاتی برداشت شده‌است.

روایات و شروح^۲ مربوط به نهی از تعیین وقت، نشان می‌دهند که بزرگانی چون کلینی که این عبارت را آورده‌اند هم، از این مطلب برداشت تعیین زمان نکرده‌اند، چه اینکه کلینی در کافی بابتی به اسم "كراهة التوقيت" دارد.

همچنین شیخ طوسی ذیل آیه، «الذين يؤمنون بالغيب»^۳ زمان ظهور حضرت را سرّ دانسته و آن را نامشخص می‌داند؛^۴ بنابراین برداشت شیخ طوسی نیز از این عبارت تعیین زمان برای دوران غیبت نبوده‌است.

به نظر می‌رسد ابن بابویه، پدر شیخ صدوق و نویسنده کتاب "دلائل الامامة"، با مضمون اصلی این روایت مخالفتی نداشته‌اند. همچنین، متنی که آن‌ها از روایت اصبع در اختیار داشته‌اند، فاقد این قسمت بوده‌است. از این رو، می‌توان نتیجه گرفت که این جمله توسط راویانی مانند طایلسی و سعدبن عبدالله به متن اصلی افزوده شده‌است.

۶/۳: "ذلك اذا فقد الباب بينه وبين شيعتنا تكون الحيرة"

این عبارت شرح گونه، در هیچ یک از منابع به جز کتاب اثبات الوصیة، ص ۲۷۰ نیامده‌است. به احتمال بالایی این عبارت جزو حدیث نبوده و بیان نویسنده کتاب است. فقرات دیگر این روایت با وجود تفاوت‌های ناشی از تصحیف، عموماً یکسان بوده و این تفاوت‌ها را نمی‌توان اختلاف تحریر حدیث به حساب آورد.

۷/۳: "ان الرجعة البیضاء و الکرة الزهراء"

عبارت پایانی «ان الرجعة البیضاء و الکرة الزهراء، و إحصار الأنفس الشح و القصاص و الأخذ بالحق و المجازاة بكل ما سلف ثم يغفر الله لمن يشاء» که توصیفی از حضرت مهدی (ع) است، به طور اختصاصی در نسخه هدایه الکبری یافت

۱. حر عاملی، إثبات الهداة، ۵، ۲۰۴.

۲. علامه مجلسی در شرح «سته ایام او سته اشهر او سته سنين» می‌گوید: ستة أيام لعله مبني على وقوع البداء في هذا الأمر، و لذا ردد عليه السلام بين أمور، و أشار بعد ذلك إلى احتمال التغير بقوله: ثم يفعل الله ما يشاء، وقوله: فإن له بداءات. (علامه مجلسی، مراه العقول، ۴، ۴۳).

۳. بقره ۳.

۴. شیخ طوسی، التبيان، ۱، ۵۵.

می‌شود و در منابع دیگر نصیریه نیز با عبارات مشابهی برای توصیف مهدی (ع) استفاده شده است.^۱ با توجه به فراوانی این توصیف در منابع مرتبط با مهدی (ع)، می‌توان این عبارت را یک شرح اضافی دانست که خصیبه به متن روایت اصلی افزوده است.

نمونه‌هایی از گزاره‌های تاریخی

در ادامه، این پژوهش با ارائه نمونه‌هایی از گزاره‌های تاریخی، تلاش می‌کند، زمینه‌های تاریخی شکل‌گیری عقیده غیبت مهدی را روشن‌تر کند. این امر کمک می‌کند تا به تصویر دقیق‌تری از رواج اندیشه غیبت در میان برخی گروه‌ها در دوره‌های گذشته دست یابیم.

شواهد تاریخی نشان می‌دهد که باور غیبت، حتی قبل از تخمین زمانی ما (۱۹۰) در میان برخی گروه‌ها وجود داشته است. به‌عنوان مثال، برخی گزارش‌های تاریخی حاکی از تردید عمر در وفات پیامبر اکرم (ص) و اعتقاد او به غیبت پیامبر است.^۲ او درباره پیامبر (ص) می‌گوید: «به خدا سوگند پیامبر نمرده است و نمی‌میرد. او فقط غایب شده است، همان‌گونه که موسی بن عمران ۴۰ شب غایب شد و سپس باز می‌گردد».^۳ همچنین، ادعای سبائیه در مورد کشته نشدن امام علی (ع) و بازگشت او^۴، نشان‌دهنده وجود چنین اندیشه‌ای در میان برخی گروه‌های اسلامی در قرن اول هجری است. اگر چنین باوری در اذهان وجود نداشت، تعجب و انکار مخاطبان را در پی می‌داشت اما هیچ گزارشی مبنی بر نپذیرفتن خود اندیشه وجود نداشته چنان‌که در طول تاریخ اختلافات در مصداق آن و نپذیرفتن شخص غایب بوده است.

۱. نمونه: خصیبه، الهدایه الکبری، ۳۲۵.

۲. دارمی، سنن دارمی، ۱، ۴۲؛ ابن سعد، الطبقات الکبری، ۱، ۱۳۴۱؛ ابن ماجه، سنن، ۱، ۵۲۰.

۳. ابن هشام، سیره نبویه، ۴، ۳۰۵؛ ابن ابی‌الحدید، شرح نهج البلاغه، ۱، ۱۷۸.

۴. النوبختی، فرق الشیعه، ۴۱.

بررسی‌های انجام‌شده بر روی روایت اصبع بن نباته برای کشف خاستگاه اندیشه غیبت، نتایج زیر را به همراه داشت:

۱. روایت اصبع در منابع مختلف با ساختار و محتوایی تقریباً یکسان آمده است. این یکدستی نشان‌دهنده آن است که این روایت ریشه در یک متن مکتوب اولیه دارد.
۲. با توجه به شواهد تاریخی و تحلیل شبکه اسناد، ثعلبه بن میمون به عنوان راوی مشترک این روایت معرفی شده است. وفات او در سال ۱۹۰ هجری قمری، نشان می‌دهد که این روایت حداقل پیش از این تاریخ شکل گرفته است.
۳. تحلیل اسناد، متن و شواهد کامل‌کننده آن نشان می‌دهد که محتمل‌ترین شکل این عبارت در روایت اصلی، "من ظهري الحادی عشر من ولدی" بوده است. اختلافات موجود در این عبارت را می‌توان به تصحیف‌های بعدی توسط سعدبن عبدالله نسبت داد.
۴. بررسی‌ها نشان می‌دهد که عبارت "سته ایام او سته اشهر او سته سنين" در سال‌های بعدی توسط راویانی چون طایلسی و سعدبن عبدالله به متن اصلی اضافه شده است. این افزوده ممکن است تحت تأثیر باورهای رایج آن دوره درباره مدت غیبت بوده باشد.
۵. مؤلفان اولیه مانند ابن بابویه، صدوق پدر و طبری، حذف‌کننده عبارت «سته ایام و...» در روایت اصبع نبوده‌اند، آن‌ها این عبارت را به معنای نامشخص بودن مدت غیبت تفسیر کرده‌اند.
۶. با توجه به شواهد موجود، می‌توان نتیجه گرفت که خاستگاه این روایت به ربع آخر قرن دوم هجری قمری و قبل از وفات ثعلبه بن میمون بازمی‌گردد.

۱. قرآن کریم.
۲. ابن ابی الحديد، عبدالحمید بن هبة الله. شرح نهج البلاغة، قم: کتابخانه عمومی آية الله مرعشی نجفی. چاپ اول. ۱۳۳۷ ش.
۳. ابن بابویه، علی بن حسین. الامامة و التبصرة من الحيرة، به کوشش مدرسه امام مهدی علیه السلام، قم: مدرسه الإمام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، چاپ اول. ۱۴۰۴ ق.
۴. ابن بابویه، محمد بن علی. عیون اخبار الرضا، تهران: نشر جهان، چاپ اول. ۱۳۷۸ ق.
۵. ابن بابویه، محمد بن علی. کمال الدین و تمام النعمة، به کوشش علی اکبر غفاری، تهران: اسلامیه، چاپ دوم. ۱۳۹۵ ق.
۶. ابن سعد، محمد. الطبقات الکبری، به کوشش محمد عبدالقادر عطا، بیروت: دارالکتب العلمیه، چاپ دوم. ۱۴۱۸ ق.
۷. ابن عساکر، علی بن حسن، تاریخ مدینة دمشق، به کوشش علی شیری، بیروت، دارالفکر، چاپ اول. ۱۴۱۵ ق.
۸. ابن ماجه قزوینی، محمد بن یزید. سنن، به کوشش شعيب ارزووط و دیگران، دار الرسالة العالمیه، چاپ اول. ۱۴۳۰ ق.
۹. ابن هشام، عبدالملک. السيرة النبوية، به کوشش ابراهیم آبیاری، مصطفی سقا و عبدالحفیظ شلبی، بیروت: دار المعرفة بی تا.
۱۰. ابوداود سجستانی، سلیمان بن اشعث. سنن، به کوشش سید محمد سید و عبدالقادر عبدالحمید و سید ابراهیم، قاهره: دار الحديث، چاپ اول. ۱۴۲۰.
۱۱. آذربو، زهرا. بازسازی کتاب منسوب به اصبع بن نباته و تحلیل درون مایه آن، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده الهیات، دانشگاه فردوسی مشهد، راهنما: سید کاظم طباطبایی پور، مشاور: مرتضی ایروانی. ۱۳۹۰.
۱۲. اشعری قمی، سعد بن عبد الله. المقالات و الفرق، مرکز انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ دوم. ۱۳۶۰ ش.
۱۳. آقابزرگ طهرانی، محمد محسن. الذریعة الی تصانیف الشیعة، بیروت: دار الأضواء، چاپ سوم. ۱۴۰۳ ق.
۱۴. آقایی، سید علی. تاریخ گذاری حدیث: روش ها و نمونه ها، تهران: انتشارات حکمت، چاپ اول، ۱۳۹۳.
۱۵. انصاری، حسن، متن شیعی مجعول و منسوب به محمد بن جریر طبری، بررسی های تاریخی، یکشنبه ۲۶ مرداد ۱۳۹۳.
۱۶. انصاری، حسن، نمونه ای از دفاتر محدثان: کتاب الاختصاص منسوب به شیخ مفید، بررسی های تاریخی، دوشنبه ۲۸ آبان ۱۳۸۶.
۱۷. پاکتچی، احمد. فقه الحدیث، مباحثی در نقل به معنا، تهران: دانشگاه امام صادق (ع)، چاپ اول. ۱۳۹۴ ش.
۱۸. ثمالی، ابو حمزه. تفسیر قرآن کریم، قم: نشر الهادی. ۱۴۲۰ ق.
۱۹. جواد، ابراهیم. روایه من ظهري فی المیزان، نجف: مدرسه الدراسات التخصصیه المهدی. ۱۴۳۷ ق.

۲۰. حر عاملی، محمد بن حسن. إثبات الهداة بالنصوص والمعجزات، بيروت: مؤسسة الأعلمي للمطبوعات، چاپ اول. ۱۴۲۵ ق.
۲۱. حقی بروسوی، اسماعیل. البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دارالفکر، بی‌تا.
۲۲. الحلبي، ابوالصلاح تقی بن نجم. تقریب المعارف، فارس تبریزیان الحسون. ۱۴۱۷ ق.
۲۳. خزاز قمی، علی بن محمد. کفایة الاثر فی النصّ علی الاثمة الاثنی عشر، قم: بیدار. ۱۴۰۱ ق.
۲۴. خصیصی، حسین بن حمدان. الهدایة الکبری، بیروت: البلاغ. ۱۴۱۹ ق.
۲۵. خویی، ابوالقاسم. معجم رجال الحديث و تفصیل طبقات الرواة، چاپ پنجم. ۱۴۱۳ ق.
۲۶. دارمی، عبدالله بن عبدالرحمن. سنن دارمی، بیروت: دارالفکر. ۱۴۲۰ ق.
۲۷. دهقان آرانی، زهیر. سیر تحول نگاه مستشرقان در ۵۰ سال اخیر، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی. ۱۴۰۱.
۲۸. رحمتی، محمد کاظم. «عبدالله بن جعفر حمیری»، دانشنامه جهان اسلام، ج ۱۴. ۱۳۹۳.
۲۹. شهبازیان، رحیمی جعفری، محمد، محسن، بازکاوی روایت اصبح بن نباته از «تعداد ائمه» و «مسئله غیبت»، فلسفه و کلام، نشریه انتظار موعود، شماره ۶۸، بهار ۱۳۹۹.
۳۰. شهبازیان، محمد، تحلیلی بر اسناد روایت اصبح بن نباته در کتاب‌های کافی، کمال‌الدین و الهدایة الکبری، مطالعات مهدوی، شماره ۴۴، پاییز ۱۳۹۹.
۳۱. شوشتری، محمد تقی. اخبار الدخیله، تهران، مکتبه صدوق. ۱۴۰۱ ق.
۳۲. شیخ طوسی، محمد بن حسن. الغیبة، بیروت: منشورات الفجر، چاپ اول. بی‌تا.
۳۳. شیخ طوسی، محمد بن حسن. الغیبة، قم: مؤسسة المعارف الإسلامية، چاپ سوم. ۱۴۲۵ ق.
۳۴. شیخ طوسی، محمد بن حسن. الفهرست، قم، منشورات سید رضی، چاپ دوم. ۱۴۲۵ ق.
۳۵. شیخ طوسی، محمد بن حسن. رجال، به کوشش جواد قیومی اصفهانی، جماعة المدرّسين فی الحوزة العلمية بقم، قم: مؤسسة النشر الإسلامي، چاپ سوم. ۱۴۲۷ ق.
۳۶. شیخ طوسی، محمد بن حسن. التبیان، بیروت: دار إحياء التراث العربي. بی‌تا.
۳۷. شیخ مفید، محمد بن محمد. الاختصاص، قم: المؤتمر العالمي لالفيہ الشيخ المفید، چاپ اول. ۱۴۱۳ ق.
۳۸. صفار قمی، محمد بن حسن. بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد ص، به کوشش محسن بن عباس علی کوجه باغی، قم: مکتبة آية الله المرعشي النجفي، چاپ دوم. ۱۴۰۴ ق.
۳۹. صفری فروشانی، نعمت‌الله. محمد بن جریر طبری آملی و دلایل امامة، علوم حدیث، ش ۳ و ۴، پاییز و زمستان، ۱۳۸۴.
۴۰. طباطبایی، سید کاظم، عدالت جهانی نماد سیاست مهدوی، قم، فصلنامه انتظار موعود، شماره ۱۳، ۱۳۸۳.

۴۱. قندهاری، محمد، احادیث طول در میراث مکتوب سده نخست، مطالعات تاریخی قرآن و حدیث، سال ۲۶، شماره ۶۷، تابستان ۱۳۹۹.

۴۲. قندهاری، محمد، همبستگی متن و منبع روایات در نظر محقق شوشتری، سایت: درایات، مرجع مطالعات تاریخ پژوهانه کتاب و سنت، تاریخ نشر ۱۸-۰۳-۱۴۰۳، آدرس سایت: <https://deraayaat.ir/hambastegi-shushtari>

۴۳. کشی، محمد بن عمر. رجال الکشی، تحقیق محمد بن حسن طوسی، محمد و حسن مصطفوی، مشهد: مؤسسه نشر دانشگاه مشهد، چاپ اول. ۱۴۰۹ ق.

۴۴. کشی، محمد بن عمر. اختیار معرفة الرجال، تلخیص محمد بن حسن طوسی، به کوشش محمد باقر بن محمد میرداماد و مهدی رجایی، قم: مؤسسه آل البيت (عليهم السلام) لإحياء التراث، چاپ اول. ۱۴۰۴ ق.

۴۵. کلینی، محمد بن یعقوب. الکافی، به کوشش علی اکبر غفاری، تهران: اسلامیه، چاپ دوم. ۱۳۶۲ ش.

۴۶. لوئیس، برنارد. تاریخ اسماعیلیان، تهران: توس. ۱۳۶۲ ش.

۴۷. مازندرانی، محمد صالح بن احمد. شرح کافی، تهران: مکتبه الاسلامیه. ۱۳۸۲ ق.

۴۸. مجلسی، محمد باقر. بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار، به کوشش محمد باقر بهبودی و دیگران، بیروت: مؤسسه الوفاء، چاپ دوم. ۱۴۰۳ ق.

۴۹. مجلسی، محمد باقر. مرآة العقول في شرح أخبار آل الرسول، تهران: دار الکتب الإسلامية، چاپ دوم. ۱۴۰۴ ق.

۵۰. مدرسی طباطبائی، سید حسین. مکتب در فرآیند تکامل، مترجم: هاشم ایزدپناه، تهران: کویر. ۱۳۸۷ ش.

۵۱. منسوب به طبری، محمد بن جریر. دلائل الإمامة، تحقیق قسم الدراسات الإسلامية مؤسسه البعثه، قم: بعثت، چاپ اول. ۱۴۱۳ ق.

۵۲. منسوب به مسعودی، علی بن حسین. اثبات الوصية للإمام علی بن ابی طالب، قم: انصاریان، چاپ سوم. ۱۳۸۴ ش.

۵۳. موحدی، علی. بازسازی کتاب ملاحم الکبیر و تحلیل روایات غیبت، نشریه علوم حدیث، شماره ۱۰۵، ۱۴۰۱.

۵۴. نجاشی، احمد بن محمد. رجال، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، چاپ ششم. ۱۳۶۵ ش.

۵۵. نعمانی، ابن ابی زینب محمد بن ابراهیم. الغيبة، تهران: نشر صدوق، چاپ اول. ۱۳۹۷ ق.

۵۶. نهاوندی، علی اکبر. عبقری الحسان، قم: مسجد جمکران. ۱۳۹۵ ش.

۵۷. النوبختی، ابی محمد الحسن بن موسی. فرق الشیعه، قم: مکتبه الفقیه. ۱۳۴۶ ش.

58. Veronia Klem, Die wier mafiarat des Zwiihen tman Zur Formativen Periode des Zwolfintr, p, ۱۳۱-۱۳۶, 2008.

59. Sadeghi, Behnam, The traveling tradition test: a method for dating traditions, p, ۲۰۵, 2009.

60. Hayes, Edmund, Agents of the Hidden Imam: Forging Twelver Shi'ism, Radboud Universiteit Nijmegen, 850-950 CE, ۲۰۲۲.

نسخه پیش انتشار